

تلاش آل بویه برای تحقق حکومت علوی

۱۴ بهمن ۱۳۹۴ ساعت ۲۳:۰۹

«هگل» معتقد بود، این تاریخ است که به مردان بزرگ حیثیت می‌بخشد، نه آنکه مردمان به تاریخ؛ ولی بوده اند آدمیانی که برای خود یا حیثیت خریدند و یا با وجود عنادی که با مردمان هم تبارشان داشته اند، حیثیت را چه ارزان فروخته‌اند، با وجود این، قضاوت با تاریخ نیست، بلکه با مردمان نسل‌های پس از واقعه است.

نسل به نسل از هر اتفاقی که بگذرد و چشم‌های بشریت اگر سطر سطر اوراق تاریخ را بنگرند، در نهایت در این کارخانه، خروجی جز «مستمع شدن» به بیرون نمی‌دهد. اما در این میان، هنر نزد متفکرانی است که تاریخ را فقط نمی‌خوانند؛ بلکه آن را می‌اندیشند. «چیستی و چرایی» مفهوم ساده‌ای نیست که در چشم چنین مستمعان ساده انگاری به تصویر کشیده شود. بنابراین تاریخ «راوی» است و راوی الزاماً صادق نیست، اما «عقل» قاضی است و قاضی خود را در صراط عدل می‌گذارد. نام درستی که بیش از ایران در دامان ممالک دیگر هزاران بار تکرار شده است، نام «عباسی» و خاندان

عباس بن عبدالمطلب، عموی پیامبر اسلام(ص) است. اینان پس از خونریزی‌های فراوانشان در بوم سفید تاریخ و رهایی از آزاداندیشی‌های ائمه هدی(ع) پس از شهادت حسن بن علی العسکری (ع) و هجوم ترکان به دستگاه‌های اداری و لشکری، در میان خود دایره امنی از جهت اقبال عمومی باز کرده بودند، اما تمدن اسلامی پس از ورود به سده سوم پس از هجرت شاهد فرسایش عباسی منشی گردید و خاندان داعیه دار دین و قرابت با رسول خدا(ص)، خانواده هزار فامیل عباسی این بار تن به حکومت‌های کوچک طایفه ای تحت قلمرو دولت مرکزی خود داد و برای محکم کاری بیشتر، ترکان مزدور خود را بالای سر قبایل ایرانی نژاد قلمرو خود گذاردند. در این میان آل زیار که شاخه اولیه از دیلمیان ایرانی [آل زیار، آل بویه و آل الیاس] بودند، اندکی مجال مقاومت بیشتر در برابر ترک‌تازی‌های عباسی یافتند و توانستند، اندکی بر ضعف پیکره عباسی بیفزایند.

خاندان امید

«بویه» به معنای امید و طایفه آل بویه از دیلمیان شیعه مسلکی بودند که پس از خروج زید بن علی(ع) قایل به ائمه زیدی مذهب خود شدند. ابوشجاع آل بویه، مرد ماهی فروش و صاحب فضیلتی بود که سه فرزند خود علی، حسن و احمد را به خدمت «ماکان بن کاکلی» از خوانین آل زیار در آورد. علی فرزند بزرگ ابوشجاع در عصر آل زیار به ولایت اصفهان رسید و پس از خروج از اصفهان به قصد فتح اهواز، برادران دیگر خود را به کرمان، ری و همدان و عراق فرستاد. جنگ‌های بی سابقه ایرانیان متحد در لوای آل بویه و ارتش ترک تبار عباسی چنان پی در پی و عظیم بود که سالیان سال به طول انجامید؛ خاندان امید این بار با شعار «حی علی خیرالعمل» و «اشهد ان علی ولی الله» ایدئولوژی سیاسی خود را فریاد می‌زدند. «ابوالفرج اصفهانی» صاحب رساله «الآغانی»

می‌گوید، من ندای «حی علی خیر العمل» را از مناره‌های بغداد می‌شنیدم. بنابراین در کتاب «المنتظم» جلد هشتم، صفحه ۴۱ نقل است که القادر بالله عباسی پیش از فتح بغداد به دست معز الدوله [احمد = برادر کوچک‌تر] در انتهای خطبه خود و به نشانه تکفیری دانستن شعائر آل بویه شمشیر بر منبر می‌کوفت و فریاد می‌کشید که خداوند پیروان علی را به خاطر ندای حی علی خیر العمل ببخشاید که سخت سخنی گفته و مایه رنجش خدا و پیامبر او شده‌اند.

وفاق ملی، تکثر مذهبی

علی بن ابوشجاع آل بویه نیز مرد شجاع و صاحب فضیلتی بود. از آنجا که زیدی مذهبی خود را به انتخاب خویش جعفری مذهبی کرده و به برادران و خویشان خود آزادی رأی ماندن در مذهب سابق یا گرایش به مذهب عموم ایرانیان آن عصر را قایل بود. نمونه‌های فراوانی از احترام

آل بویه به تکثرگرایی مذهبی در عصر خود وجود دارد، از جمله تنبیه برخی مسلمانان شیراز که به جشن زرتشتی مذهبان حمله برده بودند، احترام به عبدالله بن خفیت ملقب به شیخ کبیر از زعیمان اهل جماعت در شیراز (۱)، ساختن خانقاه برای صوفیان فارس، امضای حکم وزارت ابو اسحاق صائبی مذهب، امضای حکم کاتب باشی برای ابونصر زرتشتی در بغداد (۲).

بی تردید آل بویه قرابت عجیبی با مفاهیم علوی موجود در سند ولایت مالک اشتر نخعی از نظر برابری نسل بشر و ممانعت از تفتیش عقاید مردمان داشتند. چنانکه فرزند یکی از سلاطین آل بویه [فرزند فخر الدوله] پس از ابقا در ولایت ری، مذهب خود را مالکی اعلام داشت (۳) و نیز عضدالدوله به اجبار برخی از تندروهای تشیع در خصوص سرکوب ابوسلیمان بن داوود ظاهری که مدعی مذهب تازه تأسیس جنوب ایران [ظاهریه] بود، تن در نداد.

در خصوص تعالی علم و ادب در عصر طلایی پس از عباسی و رجعت به فرهنگ ایرانی در سایه سار خط سرخ حسینی و خط سبز مهدوی همین بس که شیخ مفید، سید رضی، سید مرتضی، ابوعلی سینا، ابوسعید ابوالخیر، شیخ صدوق (ابن بابویه)، ابن مسکویه و امثالهم در چنین عصری نفس کشیده و بشریت پس از خود را مدیون نوشته‌ها و تفکراتشان کرده‌اند. در تعالی فهم عموم مردم در این عصر همین بس که مورخی به نام محمد بن علی بغدادی می‌گوید، در خوارزم باربری را دیدم که در «علم کلام» با من به مباحثه نشست (۴) یا احمد بن قاسم اُسیغه نقل می‌کند، ابوعلی سینا گفت پدرم مرا برای کسب علم حساب هندی [علم اعداد] به نزد سبزی فروشی فرستاد.

بر خلاف آنچه که به اشتباه در تصورات متوهمانه صاحب نظران اندیشه سیاسی تشیع شکل گرفته است، دیلمیان آل بویه پس از استیلا بر بخش اعظم قلمرو اسلامی و جداسازی بخش ایرانی شیعی آن، درصدد آن بوده‌اند که خود را بیشتر از درگاه «اخلاق و منش شیعی» به اصل تعالی بخش حکومت علوی که عدالت است، نزدیک کنند، نه در بحث «فقهی و احکامی». هیچ سندی در خصوص به راه انداختن مقابله برای القای فکری در دوران پس از حکومت فرزندان بویه در تاریخ نیست. این وفاق چنان متصل به هم بوده که نقل است بارها و بارها جلساتی میان برخی اکابر فلان مذهب با فلان مذهب در فضای کاملاً مسالمت آمیز برقرار می‌بود. در تاریخ می‌توان از دعوت فلاسفه به مجالس صوفیه [ابوعلی سینا در محضر ابوسعید ابوالخیر - و یا فلاسفه دیگر در محضر ابوالحسن دیلمی] و یا دعوت اسماعیلیان از حنبلی‌ها برای مباحثات فقهی اشاره کرد. این گونه است که در جامعه شناختی سیاسی قلمرو

آل بویه، رشد علمی و نشر رساله‌ها در کنار برقراری اعیاد مذهبی سایر ادیان و تلفیق سنت ایرانی در برخی اعیاد با مفاهیم دینی

بدون الگو برداری از دین فروشان عباسی براحتی باب شد و از این میان کسی متضرر نشد. اصولاً سایه سنگین برخی تداخلات سیاسی با مفاهیم درون دینی و تمسک ناهلان به این مفاهیم جز ضربه به هیمنه دیانت و خُرد کردن فرهنگ سیاسی چیزی بر جا نمی‌گذارد، اما وقتی سیاست جامه‌ای از اخلاق و عدالت اجتماعی به تن داشته باشد، سبب می‌گردد که مردی مسیحی کاتب و دیوان سالار عمادالدوله شود، عدالت حقیقی تشیع برای صوفیان خانقاه می‌سازد و خانقاه و کلیسا خراب نمی‌کند و عالم سنی مذهب را به خاطر رتبه علمی و مقبولیت در بلاد خود تکریم می‌کند؛ تکفیر را خطا و در برابر کجروی محکم می‌ایستد.

علی ملقب به عمادالدوله به برادر کوچک (معزالدوله) نامه می‌نویسد و او را برای تندخویی هایش در خصوص سنی مذهب ان بغداد ملامت می‌کند. بنابراین شیعه حقیقی همخون خویش را برای تنبیه از کجروی‌های ضد مردمی در اولویت قرار می‌دهد، مانند (علیح) که انبر گذاخته را ابتدا به دستان برادرش عقیل نزدیک می‌کند. بی تردید آل بویه تا آن زمان، نزدیک‌ترین دودمان - از منظر حُسن خلق، عدالت در تکثرگرایی دینی و ممارست در گره‌گشایی از خلق - به متعالی‌ترین حکومت اسلامی تاریخ یعنی حکومت فرزندان ابی طالب بود و تاریخ را مدیون قدم‌های مردانی چون عمادالدوله فرزند ماهی فروش ساده‌لی دیلمانی کرد.

پی نوشت‌ها

۱- تجارب الامم، جلد ۶، صفحه ۴۰۸

۲- مناقب الوزیرین، صفحه ۵۴۵

۳- زهه الالباء فی طبقات الادباء، صفحه ۲۳۶

۴- صورة الارض، صفحه ۲۳۰

منبع: قدس آنلاین

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۳۲۵۲۶/آل-تلاش-بویه-حکومت-تحقق-بویه-آل-تلاش-۳۲۵۲۶>